

بررسی پیدایش و تکامل خط در ایران و جهان

سید سیاوش مصطفوی

فهرست :

1. مقدمه
2. پیدایش خط از کجا بوده ؟
3. تاریخچه ی خط در جهان
4. برخی نوشته ها در طول تاریخ
5. پیدایش خط در ایران
6. فارسی در ماقبل اسلام
7. فارسی نو یا فارسی پس از اسلام
8. موخره
9. منابع

بشر از ابتدا ناگزیر بوده است در اجتماع زندگی کند و با دیگران ارتباط داشته باشد. در واقع انسان وقتی به خود آمد دید که بین او و دیگر اعضای جامعه باید وسیله‌ی ارتباطی حاکم باشد تا مقاصد خود را به دیگران بفهماند و از منظور دیگران نیز با خبر شود. این نیازمندیهای متقابل او را مجبور ساخت تا از سمبول‌ها و اشاره‌های لفظی و کتبی و قرار دادی که بین او و دیگر اعضای جامعه مشترک بود استفاده نماید. یعنی به این فکر افتاد که اندیشه‌ها و خواسته‌های درونی خود را به شکلی و به گونه‌ای به طرف مقابل بفهماند. به این ترتیب پس از احساس این نیاز تلاش خود را به کار گرفت تا از ساده‌ترین روش برای بیان مقصود خود استفاده نماید. و آن ساده‌ترین راه همان استفاده از صفحات سنگی یا تخته یا دیوارهای اطراف وی بوده است. در واقع هنگامی که بشر خواست آن چه را که در اندیشه‌ی خود دارد نقش نماید زمانی است که گام نخست را به عرصه‌ی نگارش گذاشت. انسان به کمک آن توانست دانسته‌های خود را محفوظ نگهداشته و تاریخی از خود به جای بگذارد. گام نهادن در مسیر طولانی که در آن انسان‌های نخستین ابزاری برای انتقال بیان شفاهی بدون دیدن یکدیگر آغاز کردند نخستین گام نوشتن تصاویر روی سفال‌ها بود. در نتیجه در خاطر انسان این فکر ایجاد شد که اندوخته‌های ذهنی خود را بر روی اشیائی مذکور ثبت کند و به این طریق نقش‌هایی که از خود به جا می‌گذارد همان قدیم‌ترین نقش‌هایی هستند که اکنون ما در اختیار داریم. بدین طریق خط اولیه رفته رفته بوجود آمد و سیر خود را با گذشت زمان در پیش گرفته و خط‌هایی بعدها نوشته شد که امروزه به طور پیوسته و مداوم شکل تکامل یافته‌ی آن را مشاهده می‌کنیم. پس می‌توان گفت خط موجود نتیجه‌ی تکامل خط‌های انسان‌های اولیه و تلاش و زحمت و گذشت سالیان دراز می‌باشد.

پیدایش خط از کجا بوده ؟

• طبق نظریه ی مورخان خط شناس پیدایش خط نخست از علایم و نقوش آغاز گردیده است این نقاشی ها کم و بیش تقلید صادقانه ای از زندگانی ای که هنرمند در اطراف خود می دید و آن را روی ظروف سفالین خویش منقش می کرد، بوده و پشت این رموز و نشانه های بسیار و متنوع دیگر به بیان مطالبی نهفته پرداخته است.

تاریخچه ی خط در جهان :

پاره ای از صاحب نظران انواع مختلف خط در طول تاریخ را به دو دسته ی «آوانگار» و «اندیشه نگار» تقسیم کرده اند .

اگر چه تمایز بین این دو گونه ی خط مطلق و بنیادین است ، اما به نظر بسیاری قرار دادن همه ی خطوط به طور کامل و قاطع در قالب یکی از این دو گونه با اشکال همراه است .

تاریخچه ی خط در جهان :

حال به تعریف این دو گونه می پردازیم :

* اندیشه نگار :

در خط اندیشه نگار اندیشه به طوز مستقیم منتقل می گردد . مثل استفاده از پا برای راه رفتن و کبوتر برای صلح و مار برای دشمنی و درخت برای تازگی یا سبزی و حتی زندگی و مرگ برای زمین و ...

* آوانگار :

خط آوانگار بسیار پیچیده تر از خط اندیشه نگار است . زیرا در خط اندیشه نگار مفهوم به طور مستقیم انتقال پیدا میکند ، اما در خط آوانگار برای نوشتن ابتدا باید مفهوم به آوایی از یک زبان خاص منتقل شود سپس بر روی سنگ یا صفحه یا هر چیز دیگر نقاشی یا حکاکی شود . این نشانه ها اغلب با مفهوم هیچ نزدیکی یا ارتباطی ندارند .

* خط چینی نوعی اندیشه نگار است به دلیل اینکه این زبان برای به کارگیری چنین خطی مناسب است
* نشانه هایی مانند & یا \$ یا @ و نظیر آنها در خط لاتین نیز اندیشه نگارند . (خود لاتین آوانگار است)

مس‌ای‌ا و عم‌ای‌ب و خط‌آوا ن‌گار و ان‌دیشه ن‌گار :

****اندیشه ن‌گار :**

***مزایا :**

- ۱_ به زبان خاصی تعلق ندارد
- ۲_ هر کس با هر زبانی میتواند آن را بخواند

***معایب :**

تعداد اشکال زیادی که باید حفظ شود .
مثلا در خط چینی برای مقاصد ادبی حدود ۶۰۰۰ و برای مقاصد روزمره حدود ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ شکل یا در خط هیروگلیف بیش از ۵۰۰ حرف باید حفظ بشود.

مس‌ای‌ا و ع‌ای‌ب و خط‌آوا ن‌گار و ان‌دیشه ن‌گار :

**** آوانگار :**

*** مزایا :**

نسبت به خطّ اندیشه ن‌گار تعداد علامت‌های کمتری باید حفظ شود. (حداکثر ۷۰ و حداقل ۲۰ تا)

*** معایب :**

۱_ وابسته به یک زبان خاص هستند.

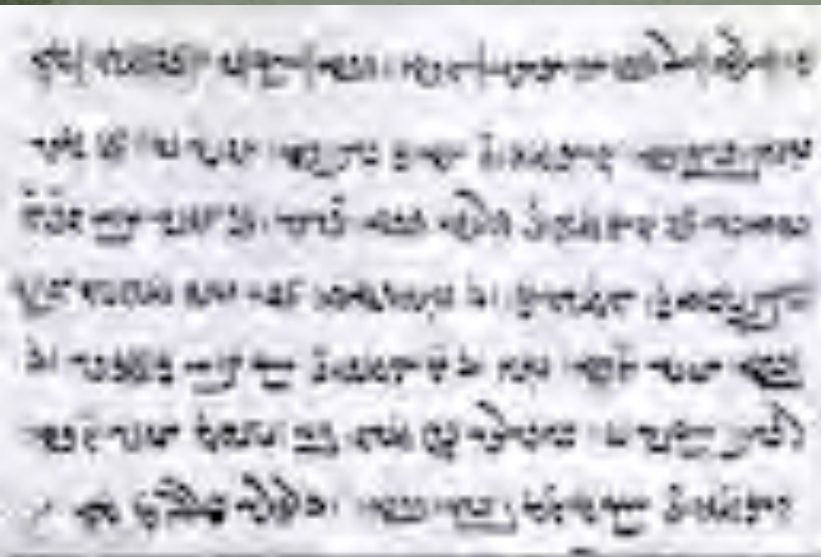
۲_ برای نوشتن باید ابتدا اندیشه به آوا برگردانده شود سپس به آوا به نشانه‌های قراردادی تبدیل شده و نشانه به آوا‌های آن زبان برگردانده شود و در نهایت روی کاغذ بیاید که کار سختی است.

چند نمونه خط اندیشه نگار :

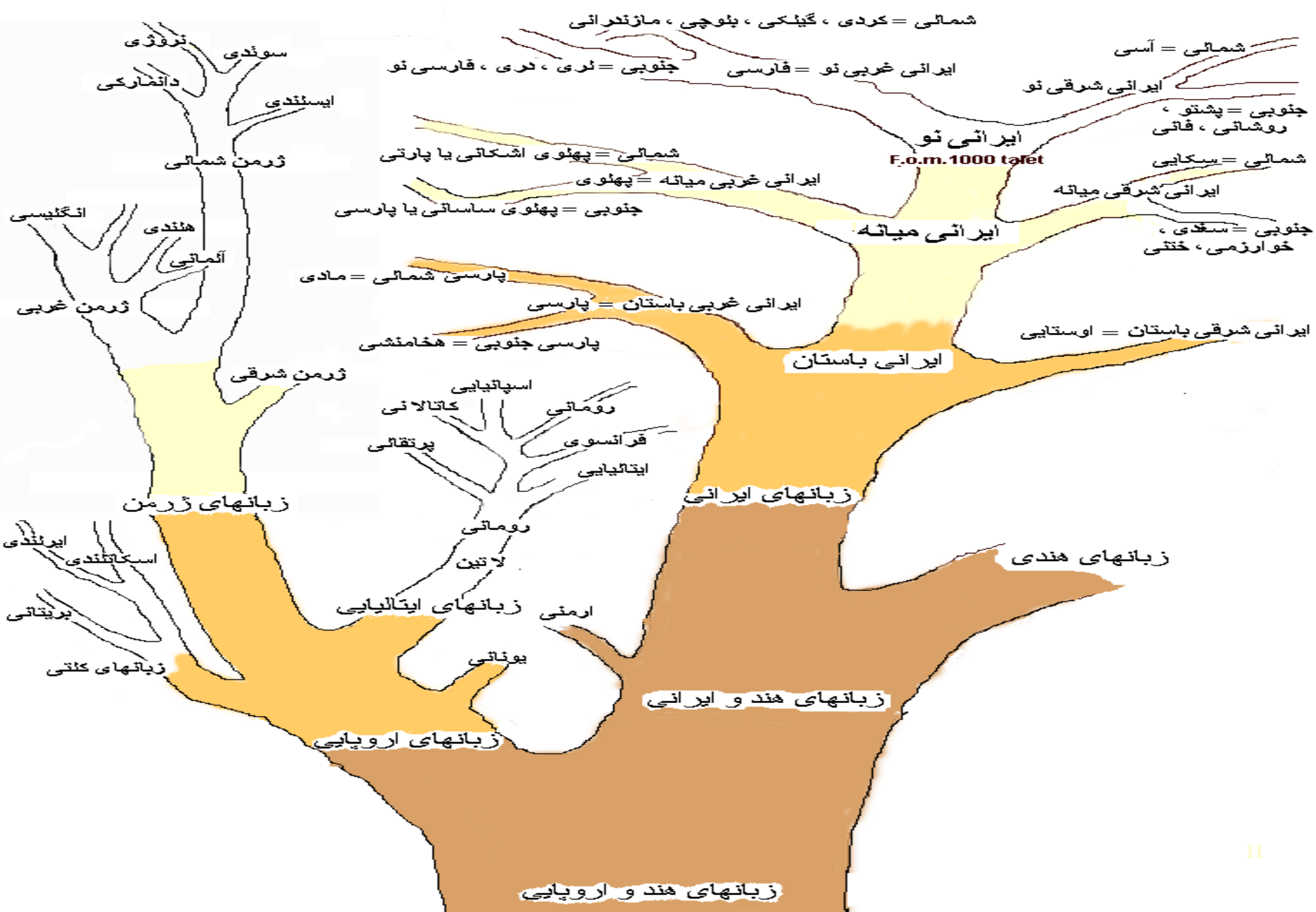


الف	ب	پ	ت	ث
Alif	Ba	Pe	Ta	Tha
ج	چ	ح	خ	د
Ja	Cha	Ha	Kh	Dal
ز	ژ	س	ش	ص
Zay	Jay	Sa	Sha	Sad
ط	ظ	ع	ف	ق
Ta	Tha	Ay	Fa	Qaf
ک	گ	ی	ر	ز
Ka	Ga	Ya	Ra	Zay
ح	ج	پ	ت	ث
Ha	Cha	Pe	Ta	Tha

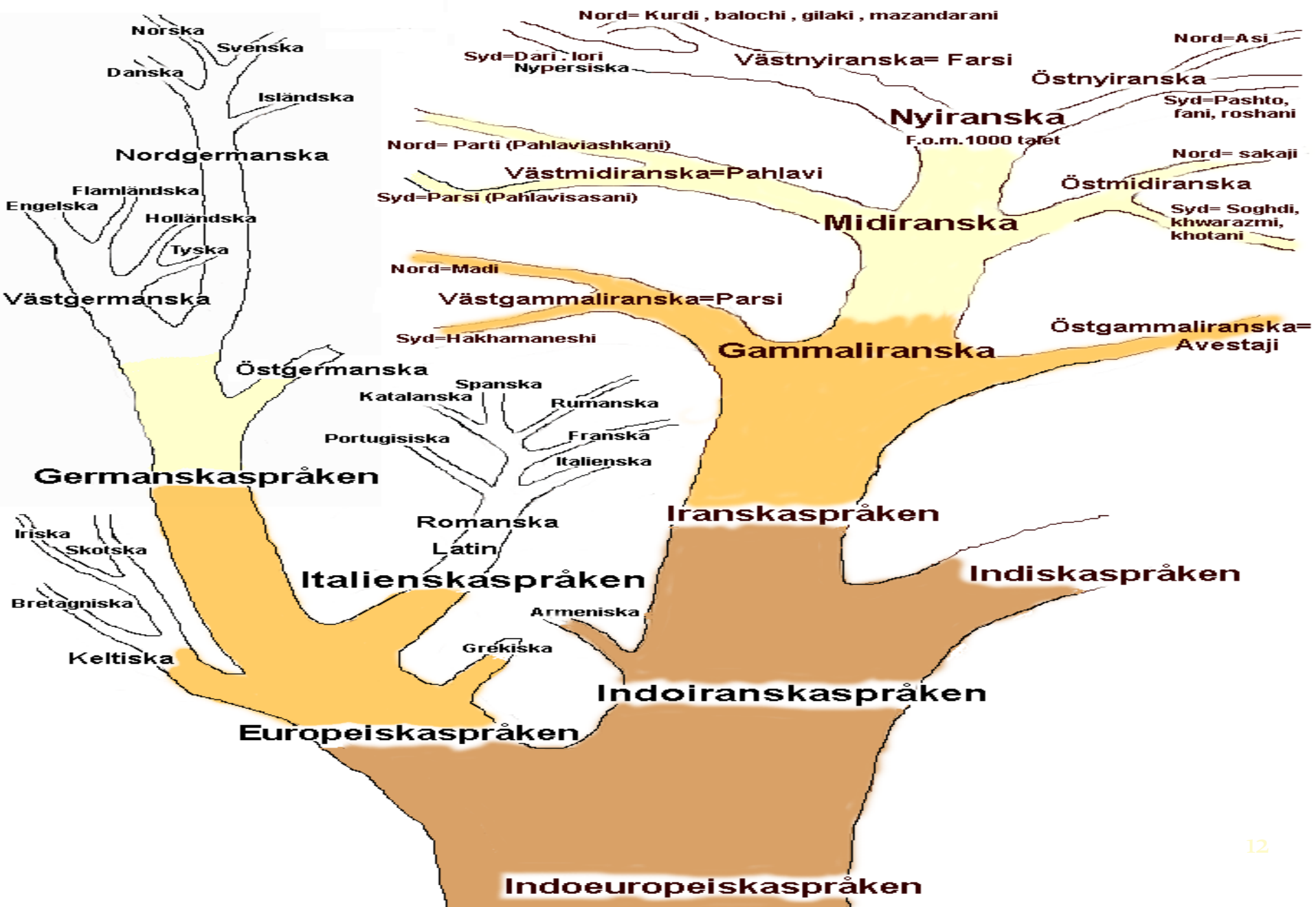
چند نمونه خط آوانگار:



درخت تکاملی خط و زبان (فارسی)



درخت تکاملی خط و زبان (انگلیسی)



تاریخچه ی خط در جهان:

مراحل سیر و تحول خط از نظر بسیاری از دانشمندان به صورت زیر می باشد :

1. خط تصویری (پیکتو گرافی)
2. خط مفهومی (اندیشه نگار _ ایدئوگرام)
3. خط هجایی
4. خط الفبایی

* نکته : خطوط تصویری و مفهومی جزء اندیشه نگار و خطوط هجایی و الفبایی جزء آوانگار می باشند .

تاریخچه ی خط در جهان:

خط تصویری :

در خط تصویری از یک شکل یا تصویر برای انتقال مفاهیم استفاده میشود .

خط مفهومی یا ایدئو گرام :

خط مفهومی یا ایدئو گرام نوعی خط تصویری است که در آن از نشانه ها و علامات قراردادی استفاده می شود .

خط هجایی :

در خط هجایی برای هر هجا یا سیلاب یک علامت وجود دارد .

خط الفبایی :

در خط الفبایی از الفبا و علامات قراردادی استفاده می شود . که هر علامت برابر یک واحد صوتی باشد .

تاریخچه ی خط در جهان:

در توانایی ذخیره کردن اطلاعات عددی همواره بخشی نا گسستی از نوشتن است . دانه های شن , لوییا , تکه های چوب و صدف را می توان از رایج ترین نوع نگه داری عدد در گذشته دانست و بعد از آن ها چوب خط و ریسمان های گره دار هم به صورتی پیچیده تر به همان کار می آیند .

برخی نوشته ها در طول تاریخ :

* «موج» ها که قبل از «اینکا» ها در پرو بودند. برای ارسال متشکل از خط و نقطه یا ترکیب این دو را بر دانه ی لویا نقش میکردند . در قبر های مربوط به این تمدن کیسه های چرمی پر از لویا پیدا شده است.

* کامل ترین نوع ریسمان گره دار شناخته شده ، مربوط به مردم باستان منطقه ی پرو است که «کیپو» نام دارد . کیپو ابزاری بود که دستگاه حکومتی اینکاها برای ذخیره ی اطلاعات به آن وابسته بود .

* خط تصویری مورد استفاده ی سرخپوستان «ککون» نام داشت . آن ها خط دیگری نیز داشتند که «ککینوین» نام داشت که مخصوص کاهنان بومی یا حکیمان سرخپوست بوده و در نوشتن اوراد جادویی کاربرد داشته ، تنها یک نشانه از این خط می تواند معادل یک جمله باشد .

برخی نوشته ها در طول تاریخ :

* مهر های شخصی که در بین النهرین باستان برای امضاء به کار میرفته از هزاره ی چهارم پیش از میلاد کاربرد داشته است . پس از هزاره ی سوم ، به همراه پیشرفت روزافزون تجارت بازرگانی ، اهمیت این مهر ها نیز افزایش یافته است .

* بعضی از دست نوشته های قوم « آرتک » روی ماده ی ضخیمی حک شده بود که از الیافی سخت است و بومیان به آن « آگاو » می گفتند .

* یکی از جالب ترین آثار شکل گرفته بر روی پوست درخت یادداشت های خصوصی پزیشان « باتاک » است که به آنها پوستها س می گفتند . نوعی از این نوشته هنوز هم در سوماترا کاربرد دارد .

پیدایش خط در ایران :

ملوی خ خط درایران

اما آمدن اسال به ایران و حجاز شدن فرهنگ بعد از اسال مایران قبل از اسال م،
مبحث خطی به هودق سمت می شود و قس متی از آن مربوط به خطوط ماقبل
اسال م در ایران قس متگی مربوط به خط بعد از اسال م است.
حال هابت داهل اسال م بعد پس از اسال م بررسی می کنیم .

خط در پهل اسالم

حال به بررسی کامل زبان فارسی می پردازیم.

تاریخ زبان فارسی :

فارسی زبانی هندواروپائی از شاخه هندوایرانی و زیرشاخه زبانهای ایرانی است. پیشینه کهن فارسی نو به ایرانی باستان باز می گردد. از ایرانی باستان، زبانهای

• زبان مادی یا اوستایی

• پارسی باستان

• زبان سکایی

• و...

• فارسی نو

پدید آمدند. این زبانها تقریباً با هم هم زمان بوده اند و بر یکدیگر پیشینگی نداشتند. در زمان هخامنشیان، پارسی باستان، زبان رسمی امپراتوری می شود.

خط در پهل اسالم

* زبان مادی یا اوستایی :

زبان یکی از نواحی شرقی ایران بوده است، ولی به درستی معلوم نیست کدام ناحیه، و نیز روشن نیست که این زبان در چه زمان از رواج یافته است. تنها اثری که از این زبان در دست است اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است. سروده های خود زرتشت گاتاها که کهن ترین قسمت اوستاست حاکی از لهجه قدیمی تری از این زبان است. دور ترین زمانی که برای پیدایش زرتشت می توان قرار داد قرن ششم قبل از میلاد است. بنابراین زبان گاتاها تازه تر از این زمان نیست ولی میتواند بسیار قدیمتر باشد. اوستا به خطی نوشته شده که به خط اوستائی مشهور است و ظاهراً به اواخر دوره ساسانی در حدود قرن ششم میلادی برمی گردد. به همین منظور از روی خط پهلوی اختراع گردیده و به خلاف خط پهلوی خطی روشن و ساده و وافی به مقصود است.

اوستا، کتاب دینی - تاریخی زرتشتیان در یک زمان نوشته نشده، بلکه چنانکه از چگونگی زبان و مضمون قسمتهای مختلفش پیداست در دوره های مختلف انشاء گردیده است. کتاب اوستا به مرور زمان توسط موبدان مختلف گردآوری و تهیه شده است و مرجع اصلی دینی زرتشتیان گاتاها است. از زبان های کهن دیگر اثر مستقلی هنوز به دست نیفتاده، ولی از وجود بعضی از آنها به وسیله کلماتی که در زبان های دیگر به جا مانده و یا ذکری که مورخان کرده اند و یا به وسیله صورت میانه این زبان ها، آگاهیم. از این جمله یکی زبان مادی کهن ایران است که زبان شاهان سلسله ماد و مردم مغرب و مرکز ایران بوده است. در کتیبه های شاهان آشور از مردم ماد نام برده

خط در پهل اسالم

شده. کلماتی از این زبان در زبان‌های یونانی و لاتینی باقی مانده، ولی منبع عمدهٔ اطلاع ما از این زبان، کلمات و عباراتی است که در کتیبه‌های شاهان هخامنشی که جانشین شاهان مادی بودند به جای مانده است. دیگر زبان‌های سغدی و خوارزمی و سکائی و پارتی است که از صورت میانه آنها مدارک کتبی در دست است و همه به نواحی شرقی فلات ایران تعلق دارند. در کتیبه‌های داریوش بزرگ نام شهرهایی که این زبان‌ها در آنها رایج بوده یاد شده: سغد، خوارزم، سکا و پارت. همچنین از شهرهای دیگری چون هرات و رنج و بلخ نام برده شده که زبان جداگانه داشته اند. در مآخذ دیگر نیز به نام زبان‌های بلخی و رنجی و هروی و مروزی و سگزی و کرمانی بر میخوریم که به تدریج از میان رفته اند. زبان‌های ایرانی کهن با زبان‌های کهن هندوستان به خصوص زبانی که در سرودهای ودا، که قدیمی ترین اثر زبان‌های آریائی است، به کار رفته نزدیکی و شباهت بسیار دارند. غالب افعال و پیشوندها و پسوندها و لغات اصولاً یکی است. اما افعال و کلماتی نیز هست که مخصوص یکی از دو دسته است، مانند گفتن و سأل و برف که تنها در زبان‌های ایرانی دیده می شود. برای دریافتن شباهت اساسی این زبان‌ها میتوان به ده عدد اول زبان سانسکریت و اوستائی توجه نمود: در اصوات و قواعد صرفی نیز اصولاً زبان‌های کهن هند و ایرانی مشترک اند، ولی چنانکه از مقایسه ده عدد اول نیز بر میآید بعض تفاوت‌های اصلی در اصوات میان دو زبان وجود دارد که میتوان آنها را به عنوان میزان تشخیص به کار برد.

خط در مهل اسالم

* زبان پارسی باستان :

زبان فارسی باستان که در دوران پیش از حمله اسکندر به ایران زبان دربار هخامنشی بوده از زبان‌های ایرانی جنوب غربی می‌باشد. این زبان با زبان مادی فاصله‌ای بسیار نزدیک داشته که احتمالاً دو گویش از یک زبان بوده‌اند. زبان فارسی باستان که از زبان‌های ایرانی و اروپایی محسوب می‌شود که احتمالاً در پدیده مهاجرت آریاییان به همراه زبان‌های مادی و اوستایی وارد فلات ایران شده‌است. این زبان پیش از ورود به سرزمین پارس در جنوب غربی ایران، بر اساس آنچه از کتیبه شلمانسر سوم، پادشاه آشوری بدست آمده در حوالی دریاچه ارومیه رایج بوده‌است. در این کتیبه که به سده نهم پیش از میلاد باز می‌گردد برای نخستین بار نام پارس در زبان آشوری بصورت پارسوا ذکر شده‌است. واژه پارسوا (pārcwa) شکل قدیمی‌تر واژه پارس (pārsa) دانسته شده‌است. [۲] نخستین سند رسمی زبان فارسی باستان کتیبه بیستون در حوالی کرمانشاه است که به فرمان داریوش یکم نوشته شده‌است. داریوش که این کتیبه از زبان او نقل شده، زبان بکار رفته در آن را زبان آریایی معرفی می‌کند. [۳] به همین جهت احتمال این وجود دارد که زبان مادی و فارسی باستان و نیز زبان‌های شرقی ایرانی همگی تحت نام آریایی بوده و گویش‌ها و لهجه‌هایی جداگانه در هر منطقه داشته‌اند. دوره آغاز تکلم به زبان فارسی باستان در میان پارسیان مشخص نیست اما از شواهد و قرائن زبان‌شناختی و مقایسه با زبان‌های اوستایی و سنسکریت که هم‌دوره زبان فارسی باستان هستند چنین به نظر می‌رسد که زبان فارسی باستان مدت‌ها پیش از دوره هخامنشیان نیز تکلم می‌شد و اشتباه‌های نگارشی و دستوری در کتیبه‌های متاخر دوره هخامنشی این حقیقت را القا می‌کند که فارسی باستان در دهه‌های پایانی حکومت مزبور احتمالاً زبانی خاموش بوده‌است. زبان فارسی باستان یکی از معدود زبان‌های هندواروپایی دوره باستان است که در زمان رواجش مکتوب شده و اسناد مطالعه زبانی برای امروز بجای گذاشته و از این رو در بسیاری از پژوهش‌های زبان‌شناختی به‌عنوان ثابت بکار می‌رود. [۴] زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی که زبان رسمی ایران در دوره ساسانی بوده از فارسی باستان منشعب شده‌است. زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی جنوب غربی که از زیرمجموعه‌های زبان پهلوی ساسانی هستند همگی از فارسی باستان ریشه گرفته‌اند. [۵]

خط در اهل اسالم

دگر گونی زبانی فارسی باستان

کتیبه‌های سده چهارم پیش از میلادی در دوره هخامنشی که به اردشیر دوم و اردشیر سوم هخامنشی مربوط می‌شود ضمن داشتن اشکالات و تفاوت‌های فاحش با زبان فارسی بکار رفته در کتیبه‌های قدیمی تر مانند بیستون، خبر از انقلاب و دگر گونی زبان فارسی در آن دوره را می‌دهد که گاهی به فارسی پیشامیانه یا فارسی باستان متاخر موسوم شده‌است. زبان فارسی باستان در این دوره به فارسی میانه تبدیل شد که آن زبان نیز بعدها فارسی نو را پدید آورد. پروفیسور ژیلبر لازار ایران‌شناس مشهور اهل فرانسه در این مورد اینچنین گفته‌است: [۶]

زبانی که امروزه به نام فارسی نو می‌شناسیم و در دوران نخستین اسلامی به پارسی دری شهره بود را می‌توان به عنوان دنباله زبان فارسی میانه، که زبان رسمی، دینی و ادبی ایران ساسانی بود طبقه‌بندی کرد که خود این زبان اخیر نیز بازمانده زبان فارسی باستان، زبان دربار هخامنشیان بوده‌است. برخلاف سایر گویش‌ها و زبان‌های باستانی و جدید ایرانی مانند اوستایی، پارتی، سغدی، کردی، پشتو و غیره، زبان فارسی نو بدنبال فارسی میانه در نمودار درختی زبان‌های ایرانی در امتداد یکدیگر قرار می‌گیرند..

زبان فارسی میانه که به دنبال فارسی باستان پدید آمد را گاهی پهلوی نیز نامیده‌اند. این زبان پس از دگر گونی گسترده زبان فارسی باستان هم در آواشناسی و هم در ساختار و دستور زبان بصورتی ساده‌تر از نیای باستانی خود شکل گرفت. آثار به این زبان

آثار به جا مانده از این زبان به خط میخی هخامنشی است که از قرن ششم تا قرن چهارم پیش از میلاد نگارش یافته‌اند. البته یک نمونه کتیبه هم در نقش رستم یافت شده‌است که به نظر می‌آید به زبان پارسی باستان است ولیکن به خط آرامی نوشته شده‌است و احتمال می‌رود که بعد از دوره هخامنشی تحریر شده باشد. تنها چند واژه از آن تا کنون خوانده شده‌است. [۷]

خط در مهل اسالم

* زبان سکایی باستان :

در معنی عام این اصطلاحات به گویش‌های ایرانی قبایل متعدد سکاها اطلاق می‌شود. سکاها از هزاره اول پیش از میلاد مسیح تا هزاره اول میلادی، منطقه وسیعی را از کناره‌های دریای سیاه تا مرزهای چین در تصرف داشتند.

این قبایل در نوشته‌های فارسی باستان -saka، در منابع یونانی skuthai نامیده شده‌اند. با این همه، در چنین معنای وسیعی، کلمه سکا، در زمان و مکان، معنای بیش از حد مبهم و نامشخصی پیدا می‌کند به همین جهت زبان قبایل سکائی غربی را که در دوره باستان در مناطق شمال دریای سیاه وجود داشته و اسم‌های خاص و نام‌های قبایل آن‌ها در نوشته‌های یونانی باقی مانده معمولاً sythian و sythique می‌نامند. در کتیبه‌های فارسی باستان از چهار دسته قبایل سکائی زیر نام برده شده است : سکا‌های تیزخود، سکا‌های آن سوی سغد، سکا‌های نوشنده هوم، سکا‌های آن سوی دریا .

آثار سکایی باستان

از زبان سکایی باستان هیچ اثر مکتوبی تا کنون کشف نشده است. با این وجود در برخی منابع ایرانی، یونانی و آشوری شماری از واژگان سکایی باستان که عمدتاً نام‌های خاص هستند بجای مانده است. پس از انقلاب زبانی دوره باستان و ورود زبان‌های ایرانی به دوره میانه زبان سکایی در شرق ایران زمین به صورت دو گویش ختنی و تمشقی باقی ماند که از آن دو گویش آثاری امروزه در دست داریم.

آثار سکایی میانه را به دو دسته زبان سکایی ختنی یا ختنی و سکایی تومش‌وُوق تقسیم می‌کنند. زبان ساکا، نامی مشترک برای این دو زبان است. آثار تومش‌وُوق از نظر زبانی کهنه‌ترند. گویش دیگر زبان ختنی در ناحیه تومشوق در شمال شرقی کاشغر متداول بوده است که اسناد چندانی از آن بر جای نمانده و آنچه به دست آمده نیز هنوز درست خوانده نشده است.

خط در پهل اسالم

نمونه‌ای از واژگان سکایی برجای مانده
از زبان قدیم آنها نوشته‌ای برجای نمانده است، اما از زبان سکاهای مغرب که در کناره، دریای سیاه و جنوب روسیه زندگی
می‌کرده‌اند تعدادی واژه در کتاب‌های یونانی و لاتین باقی مانده است. چند نمونه از واژه‌های سکایی غربی عبارتند از:
arvant: تند و سریع aspa: اسب atar: آذر carma: چرم gauša: گوش hapta: هفت.

گویش‌های سکایی

دانشمندان از گویش‌های باستانی سکاهای مرکزی و ترکستان شرقی به جز چند نام قبیله که در کتیبه‌های فارسی باستان و در
نوشته‌های یونانی باقی مانده است، اطلاع دیگری ندارند. در قرن دوم پیش از میلاد مسیح، یک مجموعه از قبایل سکائی و قبایل
تخاری که احتمالاً با قبایل سکایی خویشاوند بودند، منطقه بلخ و زرنک (سیستان) و رُخج را تصرف کردند و بعدها قلمروی
خود را تا شمال غربی هند گسترش دادند. در منطقه اخیر آثار یک گویش سکائی در کتیبه‌هایی از قرن اول میلادی به خط
خرشتی و براهمی باقی مانده است.

سکائی در حال حاضر به زبان متون ایرانی مکتوب به خط براهمی که از حفاریات باستان‌شناسی قرن بیستم در ختن و دیگر
واحه‌های ترکستان شرقی به دست آمده‌اند، اطلاق می‌گردد. زبان این متون که تاریخ آنها میان قرن‌های پنجم تا دهم میلادی است
و بخش عمده آن‌ها ترجمه آثار بودائی سنسکریت (به شعر و نثر) است، هندی-سکائی یا بر اساس محل کشف بخش عمده
اسناد سکائی-ختنی یا تنها ختنی نیز نامیده شده است. در اسنادی که از ختن به دست آمده، نام این زبان
hvamno، hvatanau ختنی ذکر شده است. آنچنان که از متون به دست آمده از دیگر واحه‌های ترکستان شرقی (مُرُتک،
تمشق) بر می‌آید، بعضی از گویش‌های خویشاوند با ختنی در این مناطق رایج بوده است. در قرن پنجم قمری، یازدهم میلادی،
هنوز در منطقه کاشغر به گویش‌هایی از همین نوع تکلم می‌کردند.

خط در مهل اسالم

کشف نسخ خطی سکایی در واحه‌های ترکستان شرقی گواه این نکته است که حتا بعد از مهاجرت‌های بیشمار قبایل سکایی - تخاری و هفتالی (خیونی) به طرف غرب، یعنی بلخ، ماورالنهر و سیستان، بخشی از مردمانی که به زبان‌های شرقی گفتگو می‌کردند تا پایان هزاره اول میلادی در این سرزمین باقی مانده بودند. بعد از این تاریخ گویش‌های ترکی به طور نهایی جای این گویش‌های ایرانی را گرفت.

فارسی نو خط در پس از الم

ورود اسلام به ایران و تحول خط:

در این قسمت تاریخ خط فارسی همان تاریخ خط عربی است. که ابتدا اما تاریخ خط عربی به اجمال ذکر می کنیم.

بنابر گفته ی جرجی زیدان چنین است. اعراب حجاز مدرکی دال بر خط و سواد داشتن خود ندارند، ولی از اعراب شمال و جنوب

حجاز آثار کتابت بسیار بدست است که معروفترین این مردمان مردم یمنی اند که با حروف مسند می نوشتند و دیگر نبطی های شمال اند

که خطشان نبطی است. مردم حجاز که بر اثر صحرانشینی از کتابت خط بی بهره ماندند، کمی پیش از اسلام بعراق و شام می رفتند و

بطور عاریت از نوشتن عراقیان و شامیان استفاده می کردند و چون به حجاز می آمدند، عربی خود را با حروف نبطی یا سریانی و

عبرانی می نوشتند. خط سریانی و نبطی بعد از فتوحات اسلام نیز میان اعراب باقی ماند و تدریجا از نبطی، خط نسخ پدید آمد و از

سریانی، خط کوفی. خط کوفی در ابتدا به خط حیری مشهور بود و بعدها که مسلمانان کوفه را در نزدیکی حیره ساختند، این خط نام

کوفی گرفت. سریانیهای مقیم عراق خط خود را با چند قلم می نوشتند که از آن جمله، خط مشهور به سطرنجیلی مخصوص کتابت

تورات و انجیل بوده است. عربها در قرن اول پس از اسلام این خط (سطرنجیلی) را از سریانی اقتباس کردند و یکی از وسائل نهضت

آنان همین خط بوده است. بعدها خط کوفی از همان خط پدید آمد و هر دو خط از هر جهت بهم شبیه هستند. مورخین درباره ی شهری

که خط از آنجا به حجاز آمده، اختلاف نظر دارند و به قول مشهور خط سریانی از شهر قدیمی انبار به حجاز آمده است. و می گویند

مردی به نام بشر بن عبدالملک کندی برادر اکید بن عبدالملک فرمانروای دومة الجندل، آن خط را در شهر انبار آموخت و از آنجا به

مکه آمده صهباء دختر حرب بن امیه، یعنی خواهر ابوسفیان را تزویج کرد و عده ای از مردم قریش نوشتن خط سریانی را از داماد خود

بشر بن عبدالملک آموختند و چون اسلام پدید آمد، بسیاری از مردم قریش مقیم مکه خواندن و نوشتن می دانستند تا آنجا که پاره ای

گمان کردند سفیان بن امیه اول کسی بود که خط سریانی را به حجاز آورد. باری عربها در سفرهای بازرگانی که به شام می رفتند

خط نبطی را از مردم حوران و از عراق خط کوفی را آورده اند و همانطور که تورات به خط «سطرنجیلی» تحریر می یافت، آنها

قرآن را با «خط کوفی» نوشتند در «خط کوفی» و خط «سطرنجیلی» چنین رسم است که اگر الف ممدود در وسط کلمه واقع می

شد، در کتابت می افتاد چنانکه در اوایل اسلام مخصوصا در تحریر قرآن این قاعده کاملا مراعات می شد و به جای «کتاب» «کتب» و

به جای «ظالمین» «ظلمین» می نوشتند.

فارسی نوا خط در پس از ا الم

پس از آمدن اسلام، عربهای حجاز با نوشتن آشنا بودند، ولی عده ی کمی از آنها نوشتن می توانستند و آنان از بزرگان صحابه شدند که بعضی از آنها «علی بن ابیطالب» و «عمر بن خطاب» و «طلحه بن عبیدالله» بودند. در زمان خلفای راشدین و بنی امیه، قرآن را به خط کوفی می نوشتند و مشهورترین قرآن نویس بنی امیه، مردی بود قطبه نام و خیلی خوشخط بود و به علاوه خط کوفی را با چهار قلم می نگاشت. در اوائل دولت عباسی دوازده قلم خط به شرح زیر معمول بود:

۱- قلم جلیل ۲- قلم سجلات ۳- قلم دیباج ۴- قلم اسطور مار کبیر ۵- ثلاثین ۶- قلم زنبد ۷- قلم مفتاح ۸- قلم حرم ۹- قلم مد مرات ۱۰- قلم عمود ۱۱- قلم قصص ۱۲- قلم حرفاج.

در زمان مأمون نویسندگی اهمیت پیدا کرد و نویسندگان در نیکو ساختن خط به مسابقه پرداختند و چندین قلم دیگر به نام قلم مرصع، قلم نساخ، قلم رقاع، قلم غبار الحلیه، قلم ریاسی. و در نتیجه، خط کوفی به بیست شکل در آمد. اما خط نبطی یا نسخ، بهمان شکل سابق در میان مردم و برای تحریرات غیر رسمی معمول بود تا آنکه ابن مقله خطاط مشهور متوفی به سال ۳۲۸ هـ.

ق. با نبوغ خود خط نسخ را بصورت نیکویی در آورد و آنرا جزء خطوط رسمی دولتی قرار داد و خطی که امروز معمول است، همان خط اصلی ابن مقله می باشد. مشهور است که ابن مقله خط نسخ را از خط کوفی استخراج کرده است، ولی واقع آنست

که خط کوفی و نبطی هر دو از اوائل اسلام معمول بوده و چنانکه گفته شد، کوفی را برای کتابت قرآن و امثال آن بکار می بردند و نبطی در مکاتبات رسمی استعمال می شد. و ابن مقله اصلاحاتی در خط نسخ نمود و آنرا برای نوشتن قرآن شایسته و مناسب ساخت. سپس به مرور زمان، خط نسخ فروعی پیدا کرد و به طور کلی دو خط نسخ و کوفی در کتابت عربی معمول گشت و هر کدام از آن شاخه هایی داشت که در قرن هفتم هجری مشهورترین آن به قرار زیر بوده است:

ثلث، نسخ، ریحانی، تعلیقی و رقاع

همین قسم خطاطان بسیاری بوجود آمدند و کتابها و رساله هایی در باره خط و خطاطی پرداختند.

فارسی نوا خط در پس از ا الم

درباره ی تاریخ خط فارسی در تذکره ی مرآت الخیال آمده است که انواع خطوط فارسی شامل: ثلث، رقاع، نسخ، توقیع، محقق و ریحان است و باز در آنجا آمده که خط هفتم تعلیق است که از رقاع و توقیع برآمده. پس از ذکر انواع خطوط مزبور نویسند ی مرآت الخیال می آورد: «گویند که از متقدمین خواجه تاج سلمان این خطها را خوب می نوشت و خط هفتم که تعلیق باشد میر علی تبریزی در زمان امیر تیمور صاحبقران از نسخ و تعلیق استنباط نمود». خط فارسی رافع اقلامی است از جمله: اجازت، تعلیق، توقیع، ثلث، جلی، جلی دیوانی، دیوانی، رقاع (رقعه)، ریحانی، سنبلی، سیاق، شجری، شکسته، شکسته ی نستعلیق و کوفی یا نسخ خطوط اصلی و متداول عصر حاضر در ایران ترقیب زمانی و پیدایش خطوط اصلی چنین است:

- ۱- کوفی ۲- محقق ۳- ریحان ۴- ثلث ۵- نسخ ۶- تعلیق ۷- دیوانی ۸- رقعه ۹- نستعلیق ۱۰- شکسته نستعلیق

فارسی نونفارسی پس از ا الم

۱- کوفی:

در صدر اسلام با انتخاب خط کوفی به عنوان خط کتابت قرآن دوران ترقی و تکامل آن آغاز گردید. این خط اصل و ریشه تمام خطوط اسلامی است. معروف است نخستین کسی که نقطه را برای کوفی وضع کرد شخصی به نام ابوالاسود دوئلی بود که از یاران و شاگردان حضرت علی علیه السلام به شمار می رفت بعد از مدتی که خط کوفی در ایران رایج شد در حدود قرن چهارم ایرانیان خط کوفی نوع خط تلفیقی به نام پیرآموز ابداع کردند که به کوفی ایرانی موسوم است. بطور کلی خط کوفی به دو دسته بزرگ تقسیم می شود :

۱_ کوفی شرقی

۲_ کوفی غربی

فارسی ناول فارسی پس از ا الم

خط کوفی شرقی مشتمل بر انواع زیر می باشد:

الف- کوفی ساده

ب- کوفی تزئینی

ج- کوفی بنایی (مقلی)

فارسی ناولفارسی پس از ا الم

* الف - کوفی ساده

این خطوط یا کاملاً ساده و بدون تزئین هستند و یا تزئینات بسیار مختصری دارند.

فارسی نوافزارسی پس از ا الم

ب. کوفی تزئینی:

این خط برای تزئین استفاده می شد و به شیوه هایی چون مشجر، مورق، مزهر، موشح نوشته میشد که کوفی تزئینی که شامل موارد فوق می باشد از همان قرن دوم هجری به عناصر مهم اسلامی تبدیل شد و بر صفحه های قرآن سکه ها و کتیبه ها خودنمایی کرد. از دیدگاه کتیبه نویسی اوج خط کوفی تزئینی در طی قرن پنجم یعنی در عصر پادشاهان سلجوقی است و تحول شکل های تزئینی آن تا اواخر قرن ششم ادامه پیدا کرد. بطور کلی می توان گفت که خطوط کوفی اعم از ساده و تزئینی آن بسیار باشکوه هستند و خطوط عمودی آنها حالتی معنوی را تداعی می کند.

فارسی نوافارس‌ی پس از ا الم

ج. کوفی بنایی (معقلی)

این خط در بسیاری از بناها و مساجد به ویژه بعد از دوره سلجوقی دیده می شود و در زیبایی بنا و القای روحیه معنوی به آن سهمی بسزا دارند اساس کوفی بنایی امتدادهای افقی و عمودی و گردش خط با ضخامتی یکنواخت در راستای افقی یا عمودی است به گونه ای که تمام سطوح هندسی شکل با این نوشته های افقی و عمودی پر می شود. در بعضی انواع کوفی بنایی به نمونه هایی برخورد می کنیم که هم سیاهی و هم سفیدی بین آنها از کلماتی تشکیل شده اند که دارای معناست و اصطلاحاً به آن سواد و بیاض گفته می شود امروزه به سبب اینکه جنبه های تزئینی در انواع کوفی بسیار فراوان است می توان به عنوان پایه ای برای طراحی جدید حروف الفبا در رشته گرافیک مورد استفاده قرار گیرد. بعضی از هنرمندان در سالهای اخیر با استفاده از خط کوفی و تغییر و تلفیق آن با دیگر انواع خوشنویسی، برای طراحی پوستر، نشانه، سربرگ کاغذ و دیگر کارهای مربوط به این رشته استفاده کرده اند.

فارسی نوافزاری پس از ا الم

۲ - خط محقق

خطاطان خط محقق را پدر خطوط گفته اند. این خط از خطوط اصیل اسلامی می باشد. خط محقق نزدیکترین خط به کوفی ساده است. در این خط اشکال حروف یکدست، یکنواخت و درشت اندام است که با فواصل منظم و بدون تداخل حروف می باشد.

فارسی ناولفارسی پس از ا الم

۳ خط ریحان:

خط ریحان مشتق از محقق می باشد و خطی است ظریف و کوچک اندام و تمام ویژگیهای خط محقق را دارد ولی ظریفتر است و به همین جهت آن به گل و برگ و ریحان تشبیه کرده اند. این خط برای سهولت در نگارش ابداع شده است و خواسته اند سبک و روش محقق را در خلاصه نویسی بکار برده باشند.

فارسی نونفارسی پس از ا الم

۴ خط ثلث:

خطاطان خط « ثلث » را مادر خطوط گفته اند. ثلث نوعی خوشنویسی است که از کوفی استخراج شده است. ابداع آن را به ابوعلی بن مقله بیضاوی شیرازی که در قرن سوم هجری می زیسته است نسبت داده اند. یکی از دلایلی که برای گذاشتن نام ثلث بر این نوع خوشنویسی آورده شده است داشتن ۱/۳ سطح (خطوط مستقیم) و ۲/۳ دور (خطوط انتهایی) در داخل کلمات آن می باشد. از هنرمندان ثلث نویس معاصر می توان افراد زیر را نام برد.

۱- حامد آلامدی در ترکیه ۲- هاشم محمد بغدادی در عراق ۳- احمد نجفی زنجانی و ۴- طاهر در ایران

الفبای کشیده و بلند و دوایر نسبتاً کم عمق و باز از خصوصیات این نوع خوشنویسی است. در خط ثلث کلمات خیلی تو در تو و سوار بر یکدیگر نوشته می شوند به همین علت درجه خوانایی آن کم میشود. این خط از لحاظ ظاهری بی شباهت به محقق نیست با این تفاوت که در این خط برخلاف محقق دور حروف بیشتر و اندازه آنها کوچکتر است.

ریتمی که در اثر تکرار ضربه های عمودی و بلند حروف در این خط ایجاد می شود القاء کننده قدرت عظمت و بزرگی است. مهمترین کاربرد خط ثلث در کتیبه نویسی است خط ثلث دارای بار مذهبی نیرومندی می باشد و به همین لحاظ در دوره پس از انقلاب اسلامی در آثار گرافیکی برای نوشتن آیات قرآن و ادعیه بکار می رود. همچنین در عناوین برخی مجله ها پشت جلد کتاب و طرح تمبر و ... نیز بکار برده می شود.

فارسی ناول فارسی پس از الم

۵ خط نسخ:

خط نسخ تحت تاثیر خطوط محقق و ریحان ثلث و توقیع بدست آمده است. در قرن هفتم هجری خط نسخ بوسیله یاقوت مستعصمی که به شیوه یاقوتی (عربی) معروف است تکامل یافت و در حدود قرن یازدهم میرزا احمد نیریزی با تغییراتی که در آن بوجود آورد به شیوه جدیدی دست یافت که به نسخ ایرانی مشهور شد. وی بزرگترین هنرمند نسخ نویس ایرانی به شمار می رود و شیوه او تا به امروز در کشور اما رایج است.

در مورد سابقه و پیدایش این نوع خوشنویسی نظریه های مختلفی وجود دارد. عده ای آن را یکی از شش نوع خطی می داند که ابن مقله در قرن سوم هجری ابداع کرد. نظر عده ای دیگر بر آن است که سالها قبل از ابن مقله ابتدا ثلث از کوفی استخراج شد و سپس با گذشت زمان و احساس نیاز به داشتن نوعی خوشنویسی ساده برای خواندن و نوشتن قرآن رفته رفته نسخ را از ثلث استخراج کردند. به هر حال این مقاله در تدوین و تکامل نسخ نقش اساسی داشته است به طوری که وی را ابداع کننده و مروج آن می دانند.

خط نسخ خطی کامل معتدل منظم و فوق العاده روشن و واضح می باشد. خط نسخ از لحاظ سهولت در خواندن، وضوح و رسائی در درجه اول خطوط قرار دارد. این خط که به آن خط قرآنی نیز می گویند در کتابت قرآن و ادعیه با اعراب و در کتب و نشریات و ... بدون اعراب بکار می رود. حروف و کلمات در نسخ هیچ گاه به صورت پس و پیش و سوار بر یکدیگر نوشته نمی شوند. همین مشخصه بارز نسخ یعنی خوانایی و بعضی مسائل فنی دیگر باعث شده است که تنها از این خط سنتی برای ماشین چاپ و ماشین تحریر استفاده نمایند.

خطی که امروزه به روزنامه ای معروف است از خط نسخ گرفته شده است و خطی است خشک و نازیبا ولی فقط به علت بالا بودن درجه خوانایی و منطبق شدن صنعت چاپ کشور با این رسم الخط همواره از آن استفاده می شود. این شیوه مانند ثلث در دوره پس از انقلاب اسلامی بوفور در آثار گرافیکی استفاده می شود و برای نوشتن متون گوناگون عنوان ها، پوسترها، نشانه ها و غیره مورد استفاده قرار می گیرد.

فارسی نونفارسی پس از ا الم

۶ خط تعلیق:

خط تعلیق اولین خط از خطوط خاص ایرانیا است که در اواسط قرن هفتم از ترکیب دو خط توقیع و رقاع بوجود آمد. تعلیق اولین نوع خوشنویسی بود که برای خط پارسی ابداع شد و در آن علامتهای زیر و زبر و پیش بکار نمی رفت. عده ای وضع آن را به خواجه تاج سلمانی اصفهانی نسبت می دهند. خط تعلیق تا قرن دهم ه. ق در ایران متداول بود ولی با پیدایش خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق از رونق و رواج آن کاسته شد. خط تعلیق یکی از پایه های مهم "خط نستعلیق و شکسته نستعلیق می باشد. تعلیق خطی تو در تو و متصل بهم بوده کلمات و حروف آن یکنواخت نمی باشند. یعنی گاهی درشت و گاهی ریز و لاغر نوشته می شود.

فارسی نونفارسی پس از ا الم

۷ خط دیوانی

خط دیوانی در حال حاضر صورتی از خط تعلیق است که تصرفاتی در آن شده و در ممالک عربی رواج کامل دارد. خط دیوانی اگر بدون حرکات و تزیینات باشد آن را خفی و اگر دارای تزیینات نقطه و حرکات باشد آن را جلی گویند. نوشتن این نوع خط مستلزم صرف وقت زیاد می باشد.

فارسی نوافارس‌ی پس از االم

۸ خط رقعہ

خط رقعہ از خطوط بسیار رایج در ممالک عربی است خطی است بین نسخ و دیوانی در ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی این خط در آثار گرافیکی از جمله پوسترهایی که در رابطه با رویدادهای جهان اسلام تهیه می‌شوند نظیر هفته ی وحدت بکار می‌رود.

فارسی نونفارسی پس از ا الم

۹ خط نستعلیق

در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری یعنی در عهد تیموری از در آمیختن دو خط نسخ و تعلیق خوشنویسی جدیدی برای خط فارسی در ایران بوجود آمد. که «نسخ تعلیق» نامیده شد. و بعدها به نام «نستعلیق» شهرت یافت.

این خط دومین خط خاص ایرانیان می باشد. خط نستعلیق فاقد علایم زیر و زبر و پیش است و با توجه به ظرافت ها و گردش های لطیفی که در حرکت ها و شکل حروف دارد کم کم جایگاه خود را به عنوان زیباترین نوع خوشنویسی جهان باز کرد و در بین کشورهای اسلامی به «عروس خطوط اسلامی» معروف شد. عده ای ابداع خط نستعلیق را به هنرمندی به نام میر علی تبریزی نسبت داده اند. وی در اوایل قرن نهم هجری می زیسته است. نقش میر علی تبریزی در تدوین نستعلیق آنچنان مهم و اساسی بود که استادان بعدی از وی به عنوان ابداع کننده نام برده اند.

از کسانی که در تکامل خط نستعلیق نقش داشته اند می توان از «سلطان علی مشهدی» و «میر علی هروی» نام برد. اما هنرمندی که نستعلیق را به اوج تکامل و زیبایی رساند «عماد الحسنی قزوینی» معروف به «میر عماد» بود که در قرن یازدهم و در دوره ی صفویه زندگی می کرد. میر عماد با ابتکار و خلاقیت خود و مهارت بالایی که در نستعلیق بدست آورد دارای سبک و مکتبی شد که هنرمندان خوشنویس سالیان بسیار پس از او از سبک وی پیروی کردند.

فارسی نوافزاری پس از االم

در قرن سیزدهم سبک و شیوه ی جدیدی در نستعلیق بوجود آمد. این کار بوسیله ی هنرمندی به نام «محمد رضا کلهر» صورت گرفت. در زمان کلهر صنعت چاپ به صورت اولیه ی خود به ایران آورده شد. و همین امر سبب گردید که کلهر بتواند با پشتوانه ی تحقیقی و مهارتی خود در نستعلیق با بوجود آوردن تغییراتی در سبک و روش میر عماد شیوه ی تازه ای را برای نستعلیق بوجود آورد که مناسب برای صنعت چاپ باشد. بارزترین مشخصه ی نستعلیق «زیبایی» آن است و میتوان گفت که نستعلیق بهترین و زیبا ترین نوع خوشنویسی است که می توان برای نوشتن متن های فارسی به صورت های مختلف مورد استفاده قرار داد.

فارسی نوافارس‌ی پس از االم

۱۰ خط شکسته نستعلیق

در اوایل قرن یازدهم سومین خط خاص ایرانیان بوجود آمد. و چون بیشتر شکل‌های آن از نستعلیق گرفته شده بود به نام شکسته‌ی نستعلیق شهرت یافت. عده‌ای «مرتضی قلی خان شاملو» و برخی دیگر «محمد شفیع هروی» معروف به شفیعا را ابداع کننده‌ی این خط دانسته‌اند. در نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم هنرمندی به نام «درویش عبدالمجید طالقانی» شکسته‌ی نستعلیق را به اوج تکامل رسانید.



فارسی نوآوری‌های پس از ۱۰۰ سال

تحول و نوآوری در دنیای معاصر

چنانچه بررسی گردید خط و خوشنویسی در ایام گذشته و دنیای سنتی، پیوسته با تحول و نوآوری همراه بوده است اما در جهان سنتی، به دلیل عدم نیاز عامه مردم به طور مستمر و روزمره به خط و فقدان نیازهای تجاری و انتشاراتی و تبلیغاتی، اهداف خوشنویسی ترکیبی بوده است از زیبایی بصری - آسانی، سرعت و سهولت نگارش و خوانایی تا در نهایت، بتواند روند مراسلات و مکاتبات و امور دیوانی و تا حدودی نیز انتقال دانش و اطلاعات را سرعت و سهولت بخشد. از طرف دیگر، هم در نظام سنتی و هم در دنیای معاصر و مدرن، انگیزه های کارکردی عاملی مهم و درجه اول، در تحولات خط محسوب می شود. اگر چه زیبایی بصری نیز بدون شک مورد نظر خطاطان قرار گرفته اما امروز، صنعت چاپ و یک دستی و متحدالشکلی مکاتبات، این بعد عملکردی خطاطی را به حداقل رسانده و در کنار آن جنبه های دیگر خطاطی اهمیت یافته است. لهذا نوآوری، مهمترین خاستگاه تحولات خط در یکصد و پنجاه سال اخیر می باشد.

تحولات فرهنگی - هنری و سیاسی - اجتماعی و فناوری که زمینه ساز نوآوری متفاوتی در خط شده اند در ایران، طی دو حرکت در دوره های قاجار و پهلوی خطاطی و خوشنویسی را تحت تاثیر قرار داده اند که اینک بدان اشاره می شود.

فارسى نوافارسى پس از االم

الف- دوره اول- قاجاريه- (دوره نوآوري در جامعه سنتي)

جامعه قاجاري جامعه اي سنتي بود اما در اين دوران از عهد عباس ميرزا پسر فتحعلي شاه و پس از جنگ هاي ايران و روس و شكست هاي ايران با جمع بندي از دلايل شكست و با حركتي عبرت گيرانه توسط عباس ميرزا تحولاتي در روند نوآوري انجام گرفت كه حاصل آن نوسازي قشون- ورود صنعت چاپ و ورود برخي كارخانجات و تاسيس مدارس سبك جديد و فرستادن دانشجو به خارج از كشور براي كسب علم و هنر بوده است. اما شاه بيت اين نوآوري بعدها در ظهور و روزنامه ها و نشرياتي تحقق يافت كه به نحوي اطلاع رساني و آگهي هاي جديد را به عهده گرفتند. خط و خوشنويسي نيز در پرتو اين تحولات وارد عرصه شد اما با ضرب آهنگي بسيار كند حركت نمود تا بتواند نشريات تازه بر عرصه رسانده را بسنده نمايد به عنوان نمونه نخستين نشرياتي كه خوشنويسي جديدي را مي طلبيدند عبارت بودند از:

• كاغذ اخبار در ۱۲۵۳ به سردبيري ميرزا صالح شيرازي

• وقايع اتفاقيه ۱۲۶۷- ۱۲۶۴ به سردبيري امير كبير

• قانون ۱۲۹۰- ۱۲۹۵ به سردبيري ميرزا ملكم خان

به طور تفصيلي تر و جهت تشريح نوآوري و تاثير آن بر خطاطي يكصد و پنجاه ساله آخر سرنوشت نخستين روزنامه هاي ايران قابل بررسي است :

نخستین روزنامه که حاکی از سرآغاز نوآوری در جامعه سنتی است حدود ۷۲ سال قبل از مشروطه منتشر شد اگر چه درباره روز تولد و تاریخچه دقیق اولین روزنامه فوق که با سردبیری میرزا صالح شیرازی کاررونی منتشر شده اطلاع زیادی در دست نیست جز این که به تقریباً در طی چند جمله گفته شود که نخستین روزنامه ایران تحت عنوان کاغذ اخبار و به فرمان محمد شاه منتشر شده است و نخستین شماره در ۲۵ محرم ۱۲۵۳ انتشارات یافته است.

روزنامه وقایع اتفاقیه

تأثیر پذیری خط و خوشنویسی از نوآوری های دوره قاجار، در روزنامه وقایع اتفاقیه نیز به نحو چشمگیرتری ظاهر می شود این روزنامه از زمان ناصرالدین شاه و به سردبیری وزیر نظر امیر کبیر منتشر شد و بعدها با تغییراتی به اسم های ایران سلطانی و ایران مواجه شد و اکنون نیز ادامه دارد. نخستین شماره آن با تصویر شیر و خورشید و با جمله یا اسدالله الغائب به نحو خاص طراحی شده که الله بالای اسد قرار گیرد اسدالغالب و همچنین جمله روزنامه اخباردار الخلافة طهران را در فضای گرافیکی ویژه ای به صورت غیر متداول خطاطی و خوشنویسی رایج سامان داده است.

اما روزنامه قانون به سردبیری میرزا ملکم خان ناظم الدوله از دیگر نشریات نوگرا و نوپرداز دوران قاجاریست. البته بررسی نوآوری و تاثیر آن بر خطاطی که در رابطه با روزنامه قانون انجام می گیرد جدای از وجوه و گرایش های فراماسونری میرزا ملکم می باشد نوآوری این نشریه با شعاری که بر سر نشریه چاپ خودنمایی می کند شعار مذکور چنین است: اتفاق - عدالت - ترقی این شعار به نحو خاصی بین دو گرایش نو و سنتی مشاهده می شود. در سرلوح نقطه گذاری واژه قانون به نحوی متفاوت از نقطه گذاری های رایج بر سر یکدیگر نه در کنار یکدیگر قرار دارد و در آغاز واژه قانون واژه آدمیت به نحو خاصی طراحی شده و به صورت «(ا د م ی ت)» نوشته شده. سپس در پایین، سرلوح به سه قسمت تفکیک گردیده که گویای سنت و تجدد در کنار یکدیگر است. نمونه های فوق، نخستین تکاپوهای نوآوران در عصر قاجار است که خوشنویسی در مطبوعات را از خود متأثر نموده، اما در عصر پهلوی یعنی دوره دوم تحولات نوآوری روند تکاپو بسیار سریع تر است.

فارسى ناولفارسى پس از ۱۱م

ب- دوره دوم - پهلوى (دوره نوسازى)

در سراسر قرن چهارده شمسى تاريخ خط و خوشنويسى در ايران مواجه با سرعت و نوآورى شگفتى است تا بتواند نيازهاى معاصر تجارت و تبليغات و فناورى را پاسخگو باشد. از سوي ديگر در سراسر قرن بيستم مكاتب بين المللى كه پس از توليد در خاستگاه خود به سرعت جهاني مى شدند، هنرمندان نوآور جهان به دو دسته تقسيم كردند: نخستين دسته هنرمنداني بودند كه در هماهنگي كامل با سبك هاى بين المللى قرار گرفتند و دسته دوم از هنرمنداني تشكيل مى شد كه گرايش هاى بومي و ملي را در فضايي جهاني جستجو مى كردند. نقش اين هنرمندان بر تولد خطاطي نوين از چنان اهميتي برخوردار است كه جايزيني براي آن نمى توان يافت. شايد بتوان گفت مكتب سقاخانه خاستگاه اصلي زيباشناسي و نوآورى معاصر، در خوشنويسى خط بوده است.

فارسى نوافارسى پس از ۱۱۰۰

مکتب سقاخانه و تأثير آن بر نوآوری در خطاطی

در دهه چهل در ایران - در بهبوه مدرانیزاسیون و درگیری های سنت گرایان و مدرنیست ها در حالی که مکتب رایج در سپهر بین المللی، هنر مردمی یا پاپ آرت در حال عبور و انتضای دوره خود بود عده ای از هنرمندان نوآور ایرانی، مکتب جدیدی را بنیان نهادند که تاثیر شگرفی بر تحولات خط، از خود باقی گذاشت، این مکتب بعدها، سقاخانه، نام گرفت.

در رأس این هنرمندان - پروین تناولی، ژازه طباطبایی و حسین زنده رودی در جستجوی تعریف دربارهای از زیبایی های ملی و سنتی برآمدند. و یا به بیانی دیگر این هنرمندان با عشق به زوایای فرهنگ ملی و نگاهی گسترده به فرهنگ جهانی به فکر افتادند که مکتبی ملی - بین المللی تاسیس نمایند و حتی شاید بدون تمهیدی اولیه و به صورتی طبیعی به سوی تاسیس مکتب فوق کشانده شدند رویکرد اینان به اشیاء و عناصر بصری محیط اطراف زندگی مردم که در سقاخانه و زیارتگاه ها و اماکن مذهبی وجود داشت، باعث شد که از این اشیاء در فضای معاصر تعریف مجددی به عمل آید و در سامانی دهی تازه و بدیعی، به مکتبی جدید و قابل قبول و سرشار از نوآوری تبدیل شود...

عناصر مورد علاقه این هنرمندان در نماز، قفل ها و کلیدها - ضریح های اماکن متبرکه و سقاخانه ها، نگین های انگشتی و حرزها و کاسه ها و الواح شمایل هایی بود که در مجموع از دیرباز مورد استفاده مردم جامعه سنتی بوده است بدون اینکه مردم یا هنرمندان با جنبه های بصری و زیباشناختی آن توجه خاصی مبذول نموده باشند. در حقیقت زیبایی با گوشت و پوست و خون جامعه سنتی عجین شده و مصرف کنندگان غرق در آن بودند. در این میان خط، هم به عنوان عنصری مستقل که در این اماکن پیوسته وجود داشته و هم به صورت حکاکی هایی، بر روی ظروف و نگین های انگشتی، مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. آنان همان طور که ساخت و ساز و ترکیب بندی مجددی بر روی همه اشیاء و تصاویر مذکور انجام دادند با نگاه مجدد خلاقانه بر خط نیز، آن را تعریف جدیدی نموده و طراحی مجدد، ترکیب بندی و ساخت و ساز نوینی بدان بخشیدند و بدین ترتیب نگاه بصری تازه ای به خط، در قلب سقاخانه متولد شد و خط کوفی این بار، پس از تحویل و تحولاتی هزار و چهارصد ساله، به سوی زبان و بیان جدیدی حرکت نمود.

فارسى ناولفارسى پس از ا الم

خط و تبليغات

نيازهاى جامعه، در مقطع زمانى مذکور نيز خود محل بررسى است. رقابتهاى تجارى، تبليغات، اعم از آگهى ها و پوسترها و همچنين، روزنامه ها و کتب و ساير نشریات به هنرمندان فرصتى بخشيدند که با هوشيارى خاص خود اين هنر تازه پا به عرصه گذاشته را در روندى جديد به کار گيرند، نيازهاى تبليغاتى تجارى، سينماها، کتابها، روزنامه ها و مسابقات، بيان جديد بصرى را طلب مى کردند. خط و خوشنويسى مى توانست اين نيازها را برآورده نمايد. اين بار وظيفه بصرى خط بر وظيفه مراسلاتى و مکاتباتى رجحان يافت و به معنای ديگر در روند رقابت زيبايى و سودمندی (در زمينه مراسلات) زيبايى گوی سبقت را ربود.

فارسی نوافزاری پس از االم

سنت شکنی در ارتباط شکل و محتوی

در روند خلاقیت‌های نوآورانه، هنرمندان به چنان ابداعاتی در خط دست یافتند که می‌توان آن را مجموعه‌ای از سنت شکنی‌ها، نام نهاد، شاید بتوان گفت مهمترین سنت شکنی در رابطه، فرم و محتوا صورت گرفت. در دنیای سنتی، خط وظیفه داشت که مفهوم را به آسان‌ترین، سهل‌ترین، سریع‌ترین و خواناترین وجهی بیان نماید تا در نگاه اول فرم و محتوی و شکل و مفهوم یک جا به بیننده و خواننده القاء شود. اما اینک وظیفه مهم خط زیبایی و تبلیغ است. لہذا، هنرمندان در حالی که بدیع بودن و شگفتی را همراه زیبایی از اهداف مهم بصری تعیین نمودند با سه اقدام مهم عرصه نوآوری یعنی، تغییر شکل (دفرم‌اسیون) در حروف اغراق در حروف (اگزجریشن) و ساده سازی (استیلزیشن) آن چنان تحولاتی در حروف ایجاد نمودند تا بتوانند زیبایی و قدرت ارایه و روح تبلیغ گرای آن را بالا ببرند. از این روی، خط در نگاه اول نه می‌توانست و نه می‌خواست که در روند این تغییرات مفاهیم را همراه با شکل، یکجا القاء نماید. در نقاشی، از این هم، پافرا تر نهاده شد و به تمامی رابطه مفهوم و شکل از هم گسیخته گردید و خط در کنار رنگ و سایر اشکال به جزئی از ترکیب بندی تبدیل گردید و تغییر شکل و تکرار حروف فقط به قصد زیبایی از اهداف مهم هنر خط تلقی گردید.

فارسی ناول فارسی پس از ا الم

هنرمندانی چون زنده رودی خط را در مرز جنبشی پیش بردند و تناولی خط را در مجسمه های هیچ یا نقاشی «هیچ» بر روی کاسه بشقاب ها، متحول نمود و به دنبال آنان پی آرام آنچنان تغییر شکل هایی در حروف به وجود آورد که به کلی رابطه فرم و محتوی را از هم گسست و خط در آثار او به مجموعه ای از حرکت حروف در بطن سطوح رنگی تبدیل گردید. مافی نیاز با سیاه مشق های خود این سنت شکنی را ادامه داد تا نوبت به احصایی رسید که در آخرین تحولات هنری خود فقط به یک مجموعه ای از حرکت حروف دست یافت و نام آن را بسم ا... نهاد...

پس از آن افجه ای با خط، نقاشی کرد و بالاخره جلیل رسولی از خط و چسبانندی ها به یکدیگر سعی نمود ضمن احترام به رابطه فرم و محتوی در خط، از طریق چسباندن ترمه ها و نمدها و نظایر آن به تابلوی خط، غنای ملی و زیبایی سنتی ببخشد... و این روند ادامه داشته است تا آخرین دست آورد خط به نام مُعلی توسط عجمی پا به صحنه نهاد. این خط نیز تلاش می کند رابطه فرم و محتوا را حفظ نماید. توسل به نام علی علیه السلام الهام بخش هنرمند، در تحول حروف و ترکیب بندی بوده است.

فارسی ناول فارسی پس از ا الم

اینک که خطاطی، در روند تحولات جدید، وظیفه خود را خوانایی و سهولت نگارش و سرعت مرادوات و مراسلات نمی داند کم یا بیش به فرمی زیبا تبدیل شده است که در درجه اول معنای خود را نه فقط القا نمی کند بلکه ادعایی نیز دارد در دوره های معاصر، در نقاشی ارایه فرم محض، نه تنها جرم نیست بلکه مطلوب نیز هست زیرا مخاطب مختار است که هر چه می خواهد ببیند و هر طور دوست دارد. قرائت کند اما در گرافیک، به ویژه در روند کاربردهای زندگی روزمره هنرمند ناچار است زیبایی را با سودمندی و گویایی ترکیب کند انبوه مخاطبان خود را که اغلب عامه مردمند، نه نخبگان، راضی نماید...

لذا، تمهیدات نوینی، به یاری خطاطی جدید آمده است. این تمهیدات جدید، عبارتند از: ترکیب بندی، رنگ عناصر خیال و رمزهای تصویری که به حوزه و قلمرو مربوطه نزدیکند (مثلا سینما یا تبلیغ قالی). اما همه شگردهای بالا، هنگام مفید می افتد که بیننده و مخاطب با مشارکت فعال خود در فهم و خواند خط جدید تلاش نماید.... و این یکی از مهمترین ویژگی های تحول خوشنویسی در خط معاصر است.

فارسى ناولفارسى پس از االم

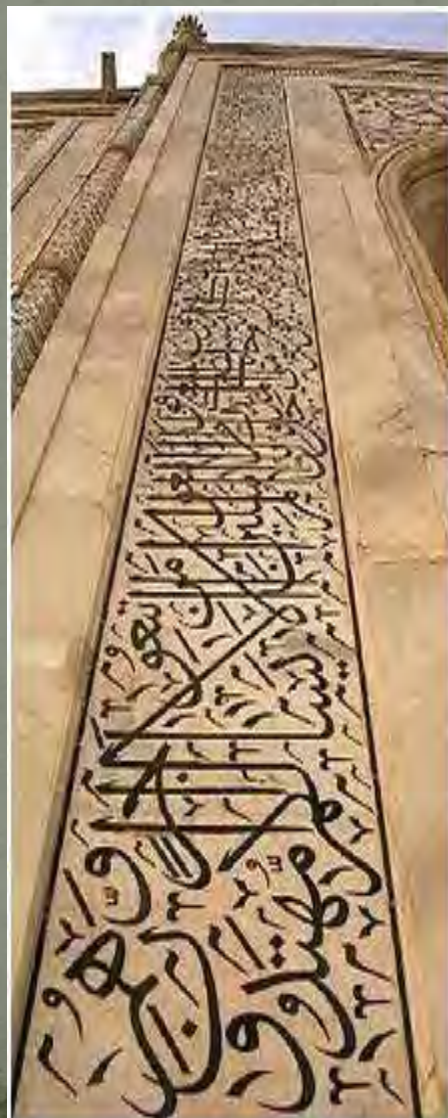
مدرنيتها و اقلام قديم

از آنجايى كه مدرنيت ها از دشوارى خط و ناخواناى آن و اهمه نداشته اند جسورانه و بى دريغ در روند اين نوآورى از اقلام قديم استفاده نمودند. ظرفيت بالاى نوآورى خط كوفى كه از ثلث قرن دوم و سوم تا « معلى » در قرن پانزدهم هجرى ادامه داشته و حتى گسترش يافته است به هنرمندان فرصت داد كه تمامى اقلام خط توجه نمايند نه تنها تعليق و نستعليق و شكسته، كه خط هاى خواناى هستند بلكه شكل هاى قديم تر و گمنام تر خط را نيز چون رقاع و محقق و ريحان و در شكل هاى هندسى، كوفى را چون خط بنايى (معلى) و حتى كوفى گياهى را نيز به عنوان مواد خام آثار خود تلقى نمايند. نکته مهم اينست كه از تكنيك هاى ساده با قلم نى و مر كب، تا قلم و مو و رنگ روغن و حتى امروزه كامپيوتر ديجيتال آرت، هيچيك از اقلام خط سنتى با خطوط مدرن در تضاد قرار نگرفته اند چرا كه ظرفيت بالاى خط كوفى، با همه تحولاتش توانسته است فرصت همزيستى خط و فناورى و هنر معاصر را به بهترين وجهى ايجاد نمايد.

فيلسوف

گزیده ای

افزار اسجہ الناسی
فی القسوس علی السلسلہ
خط ثلث اولیہ بہ خط ابن مقلہ



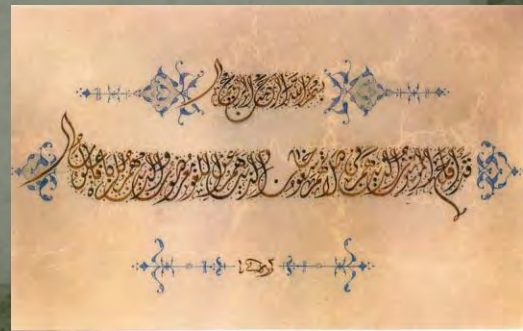
الحمد لله رب العالمین

فیلطو

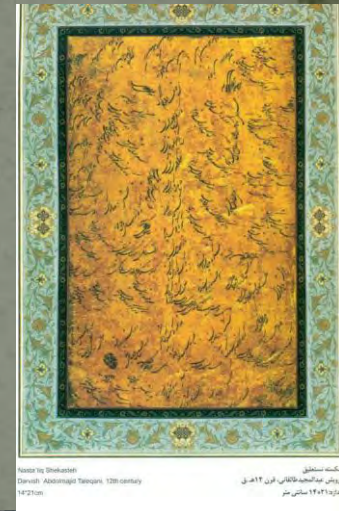
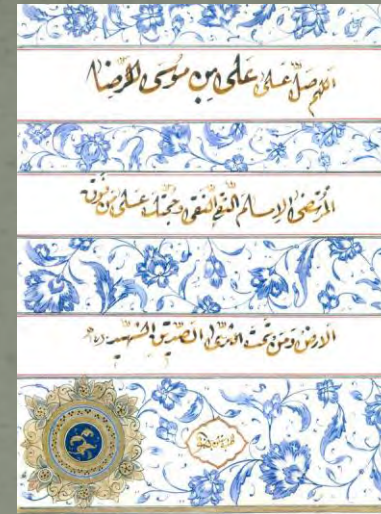
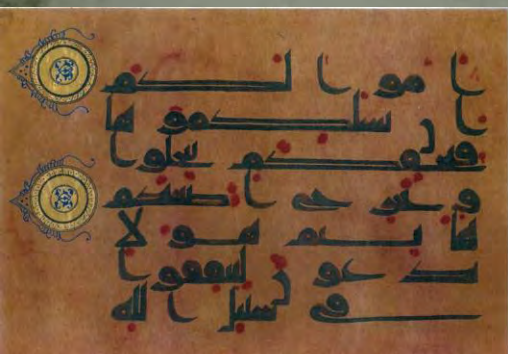
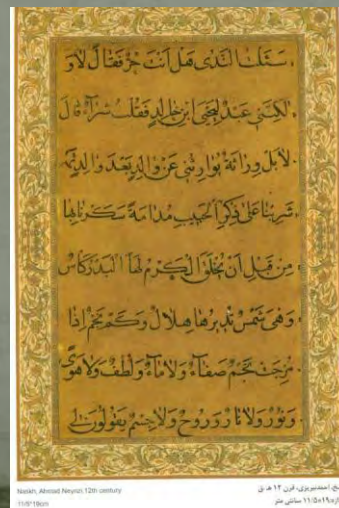
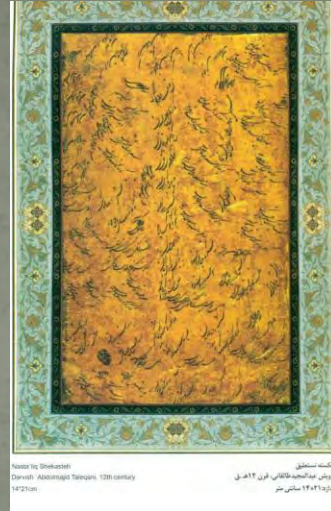
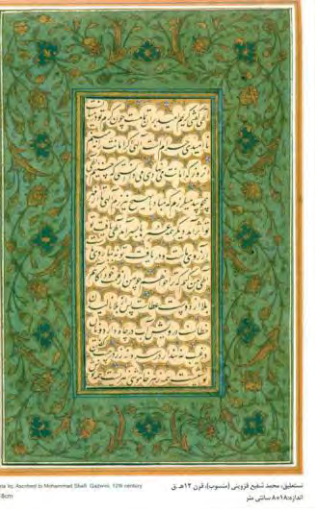
الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین

گزیده ای از



گزیده ای از انواع



با تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید

می دانید که این نا چیز علمی که ما هم اکنون برای شما ارائه دادیم تنها چیزی بود در حد توان ما به عنوان یک نو آموز پایه اوّل دوره ی راهنمایی امیدواریم در آینده بتوانیم این پروژه را با اراده ی قوی تر و علم بیشتر به صورت بسیار کامل تر دنبال کنیم تا انشاالله که به جاهای مطلوب تر و قله های بلندتری دست پیدا کنیم

خدا نگهدار

منابع:

- <http://fa.wikipedia.org/>
- <http://en.wikipedia.org/>

کتاب تاریخ ایران، حسن پیرنیا، انتشارات اروند
کتاب خط و کتابت، دکتر خلیل مشتاق، انتشارات آزاد اندیشان
مقاله ی سیر و تحول فارسی، رقیه رمضان نژاد
تاریخچه زبان و خط فارسی، انجمن علمی دانش پژوهان آموزش زبان
فارسی

کتاب تاریخ زبان فارسی، دکتر پروین خانلری
کتاب زبان فارسی و سرگذشت آن، دکتر محسن ابوالقاسمی
نشریه ی علمی پژوهشی دانشکده ی هنرهای زیبا
مقاله ی نگاهی در پیدایش و تحول و تکامل خط
کتاب اطلس خط، استاد حبیب الله فضایی

سایان